



قواعد عمومی جاری در تربیت جنسی کودک در نهادهای آموزشی

مریم وفادارنصراله زاده^۱

راضیه ناطقی^۲

چکیده

یکی از ساحتهای مهم تربیتی، «تربیت جنسی» است. تربیت صحیح در مسائل جنسی با توجه به گرایش طبیعی انسان به مسائل شهوانی نامشروع، از اهمیت بیشتری برخوردار است. ادله جاری در تربیت جنسی کودک به دو قسم عمومی و اختصاصی تقسیم می‌شود. در صورت عدم وجود دلیل خاص می‌توان به این قواعد تمسک جست. این تحقیق با هدف بررسی ادله‌ی عمومی تربیت جنسی کودک در نهادهای آموزشی به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. قواعد تعلیم جاهل، هدایت، امر به معروف و نهی از منکر و مفاد آیه وزر از قواعد عمومی الزامی هستند که در این ساحت جریان دارند. چنانچه قاعده اعانه بر طاعت الهی و قاعده احسان هم از قواعد عمومی غیرالزامی جاری در تربیت جنسی است. ارائه آگاهی‌های لازم در ساحت تربیت جنسی کودک و عدم گناه جنسی متربی بعد از بلوغ از جمله مفاد قواعد الزامی جاری در تربیت جنسی هستند که در صورت عدم یقین به منجر شدن به گناه جنسی تحت عنوان قاعده غیرالزامی واقع می‌شوند.

کلیدواژه‌ها: تربیت جنسی کودک، مربی، ارشاد جاهل، هدایت، امر به معروف و نهی از منکر، اعانه بر اثم، احسان

۱. عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه خراسان vafadarm@gmail.com

۲. دانش پژوه دکتری فقه جامعه المصطفی العالمیه خراسان

مقدمه

تربیت مسأله‌ای مهم است و مورد توجه متفکران شرق و غرب بوده است. یکی از شاخه‌های تربیت، «تربیت جنسی» است و از حساسیت و ظرافت‌های خاصی برخوردار است، زیرا با کوچک‌ترین اشتباه و غفلی از جانب والدین، زمینه فساد و تباهی کودکان فراهم می‌گردد.

«تربیت جنسی» در جامعه اسلامی باید منطبق با آموزه‌های قرآن و سنت پایه‌ریزی شود و والدین و مربیان و در مواردی مخاطبان، آگاهی لازم و صحیح را در این زمینه داشته باشند، زیرا در غیر این صورت، ممکن است متریان، در آینده به انحرافات جنسی کشیده شوند.

دین اسلام در مسئله تربیت جنسی فرزندان و متریان، راهکارهای خوبی به منظور سلامت جنسی بیان کرده است. در تربیت جنسی و آموزش مسائل جنسی به فرزند، نهادهای زیادی نقش دارند: خانواده، مراکز آموزشی، حکومت و... امروزه بخش عمده‌ای از وقت فرزندان در مهدکودک و سپس مدرسه سپری می‌شود و همین نشان می‌دهد وظایف نهادهای آموزشی بسیار مهم است. در این نوشتار برآنیم که با نگاه فقهی به ادله عامی که به مشروعیت وظایف مربیان اشاره دارد بپردازیم.

بر این اساس، نوشتار حاضر درصدد پاسخ به این سؤال است که: ادله عمومی جاری در تربیت جنسی کودک در نهادهای آموزشی (مهدکودک‌ها، پیش‌دبستانی‌ها، مدارس، و...) چیست؟

تاکنون تحقیقات زیادی در زمینه تربیت جنسی با نگاه اسلامی انجام شده است؛ اما اکثر این پژوهش‌ها با نگاه فقهی نبوده و غالباً به



بیان مسائل اخلاقی و ارشادی در حوزه دین اکتفا کرده است؛ همچنین، نسبت به مسائل مبتلی به جامعیت ندارد. در این تحقیق در حد بضاعت کمبودهای موجود رفع شده است و ادله عمومی جاری در نهادهای آموزشی (مدارس، مربیان، و...) در زمینه تربیت جنسی کودک از منظر آموزه‌های فقهی مورد بررسی قرار گرفته است.

مفهوم شناسی

غریزه جنسی:

«غریزه جنسی» (Sexual Instinct) یکی از غرایز نیرومند و حساسی است که می‌تواند تمام ساحات زندگی انسان را تحت تأثیر خود قرار دهد. (به عنوان نمونه ر.ک: فروید، ۱۳۴۳: ۱۰۰-۱۰۹؛ اوحدی، ۱۳۸۴، ۸۶، ۸۳، ۸۱؛ قاسمی، ۱۳۷۳، ۶۹) از این رو، ارضای صحیح آن از نیازهای اساسی انسان محسوب می‌شود. برای همین، ادیان و مکاتب مختلف به غریزه جنسی، توجه خاص داشته‌اند. (دورانت، ج ۹، ۶۹-۷۰؛ ناس، ۱۳۹۲، ۱۳۴. ترابی، ۱۳۴۱: ۱۰۴-۱۰۵، ۱۲۲؛ نوری، ۱۳۶۰، ۵۵)

در تعالیم اسلامی، به جای سرکوب غریزه جنسی یا آزادی ارضای بی‌قید و شرط آن، مهار غریزه جنسی و ارضای آن، تحت ضوابط عقل و شرع مجاز شمرده شده است. اسلام نسبت به انگیزه جنسی قائل به تعدیل این انگیزه و جلوگیری از بال و پر دادن به آن است و معتقد است ارضای آن باید در قالب ضوابط شرعی، مبانی و اصول مبتنی بر ارزش‌های دینی باشد. (مطهری، ۱۳۸۱، ۲۰)

براساس این تعالیم، بهره‌گیری صحیح، اصولی و منطقی از این
غریزه، نشانه معنویت^۱ و ایمان^۲ انسان است.

«تربیت جنسی» در نظام تربیتی اسلام، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار
است؛ زیرا نگاه صحیح و واقع‌بینانه به غریزه جنسی و ارضاء، هدایت و
جهت‌دهی آن، عاملی در راه تکمیل و تکامل و سعادت فرد بوده؛ در
مقابل، برخورد و تربیت نامناسب، باعث سلب آسایش و آرامش فردی و
اجتماعی است. (بهشتی، ۱۳۷۰، ج ۵، ۱۷۷) با کمی تلخیص و تغییر.

از آنجا که فقه اهل بیت و آموزه‌های فقهی به تکالیف و وظایف
مکلفان نگاه جامعی دارد، بر این اساس، مقتضی بیان تکلیف شرعی
مربیان و متریبان در تمام حیطه‌های تربیت، مخصوصاً تربیت جنسی
است. استنباط احکام مرتبط با تربیت جنسی و وظایف مربیان در این
زمینه، بر عهده فقیه است. استخراج این احکام و کاربست صحیح آنها
می‌تواند علاوه بر آموزش صحیح تربیت جنسی، صلاح و سداد متریبان

۱. به عنوان نمونه: «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ ابْنِ الْقَدَّاحِ
قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ رُكْعَتَانِ يُصَلِّيَهُمَا الْمُتَزَوِّجُ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رُكْعَةً يُصَلِّيَهَا
أَعْرَبُ»؛ «عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ بُنْدَارٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنِ الْجَامُورِيِّ عَنِ الْحَسَنِ
بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ كُتَيْبِ بْنِ مُعَاوِيَةَ الْأَسَدِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ
رَسُولُ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ تَزَوَّجَ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ وَفِي حَدِيثٍ آخَرَ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي النِّصْفِ
الْآخِرِ أَوْ الْبَاقِي» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۳۲۸-۳۲۹).

۲. به عنوان نمونه: «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ
عَنْ أَبِي بَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَا أَظُنُّ رَجُلًا يَزْدَادُ
فِي الْإِيمَانِ خَيْرًا إِلَّا أَزْدَادَ حَبًّا لِلنِّسَاءِ» (کلینی، همان: ۳۲۰).



را نیز در پی داشته باشد. قبل از بیان دلایل مشروعیت وظیفه‌مندی مربیان، به تبیین مهم‌ترین مفاهیم این نوشتار می‌پردازیم.

تربیت:

تربیت مصدر باب تفعیل و از دو ریشه «ری ب» و «ر ب و» است. (upbringing. training- nurture- Cultureeducation-) (ایــــن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ۴۸۳) در ریشه «رب» به معنای اصلاح و برعهده گرفتن کاری و همراه با آن (همان، ۳۸۲) حضانت (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۸، ۲۵۷) حفظ و مراعات و سرپرستی (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ۴۰۱) و نیز ایجاد چیزی و تکامل بخشی تدریجی آن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۳۷۷) به کار می‌رود. تربیت در ریشه «ربو» به معنای زیادت، رشد و نمو و علو است. (ابن منظور، همان، ج ۱۴، ۳۰۴) بنابراین با کمی تسامح می‌توان گفت که معانی ریشه «ربو» با توجه به کاربرد آن، بیشتر به پرورش جسمی و مادی مربوط است، در حالی که معانی ریشه «رب» بیشتر به پرورش دیگر ابعاد ناظر می‌باشد. (اعرافی، ۱۳۹۳، ج ۱، ۱۲)

تربیت در اصطلاح عبارت است از: «فرایند یاری‌رسانی به متربی برای ایجاد تغییر تدریجی در گستره زمان در یکی از ساحت‌های بدنی، ذهنی، روحی و رفتاری او که به واسطه عامل انسانی دیگر به منظور دست‌یابی وی به کمال انسانی و شکوفاسازی استعدادهای او یا بازدارندگی و اصلاح صفات و رفتارهای او می‌باشد» (توضیح بیشتر: ر.ک، همان، ۱۴۱)

جنسی:

مفهوم عام «جنس» در کتب لغت اعم از نوع است و به نوعی از اشیاء، انسان، پرندگان و... اطلاق می‌شود. (واسطی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۸، ۲۳۱؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴، ۵۹؛ فیومی، بی‌تا، ج ۲، ۱۱۱) این



اصطلاح در زبان فارسی، در حوزه‌های مختلف، معانی و کاربردهای گسترده و متفاوتی دارد. در عرف جامعه، کلمه جنس در نوع یا صنفی از انواع و اصناف کالا یا خدمات نیز به کار می‌رود. (جمعی از پژوهشگران زیر نظر سید محمود هاشمی، ۱۴۲۳، ج ۳، ۱۲۶)

وقتی «یاء» نسبت به این کلمه اضافه می‌شود (جنسی)، گویا نوعی انحصار در کاربرد این اصطلاح جدید مشاهده می‌شود که آن را در معنای جنسیت (مذکر و مؤنث) و یا روابط و ویژگی‌های خاص هر کدام از این دو جنس زن و مرد، اختصاص می‌دهد. از سوی دیگر با اضافه شدن یاء نسبت، دیگر این کلمه به تنهایی به کار نرفته است؛ بلکه همواره به صورت واژه ترکیبی به کار می‌رود و بسته به اینکه چه واژه‌ای به آن افزوده شده، معانی مختلفی را افاده می‌کند؛ برای مثال رشد جنسی، تربیت جنسی، رفتار جنسی، هویت جنسی، نقش جنسی، بلوغ جنسی، غریزه جنسی و...؛ از این رو در علوم چون: علوم تربیتی و روان‌شناسی و همچنین کاربردهای اخلاقی، «جنس»، «جنسی» و «جنسیت» در حوزه‌های مربوط به انسان و ویژگی‌های خاص زنانگی و مردانگی او استعمال می‌شود و معادل کاربرد واژه‌های sex, Gender, Sexy و Sexual در زبان انگلیسی می‌باشد که به جنسیت (مذکر و مؤنث) افراد و یا ویژگی‌های روان‌شناختی، زیست‌شناختی و آناتومی و فیزیولوژیکی او اشاره دارد. (اعرافی، ۱۳۹۶، ج ۲۶، ۲۵)

به عبارت دیگر اصطلاح «جنس» به دختر و پسر بودن یا مذکر و مؤنث بودن که به تفاوت‌های بیولوژیک میان زن و مرد و خصوصیات زیست‌شناختی او دلالت دارد. (بُستان، ۱۳۸۸، ۳) و بر ویژگی‌های شخصیتی و روانی زن و مرد، ناظر است اشاره دارد. طبق این تعریف،

جنسیت، یکی از مفاهیم اساسی است که در زندگی اجتماعی انسان مطرح است و تأثیر مهمی در همه جنبه‌های زندگی افراد خواهد داشت. اهمیت جنسیت از امور ناچیز تا لایه‌های عمیق وجود انسانی کشیده شده است. (ر.ک: زارع، ۱۳۹۲، ۷)

تربیت جنسی:

«تربیت جنسی» را به صورت‌های گوناگونی تعریف کرده‌اند. با صرف نظر از بررسی تعاریف مذکور، به تعریف مختار از تربیت جنسی اکتفا می‌شود: «تربیت جنسی عبارت است از مجموعه آموزش‌ها و ایجاد موقعیت‌ها و زمینه‌سازی‌هایی که فرد را با هدایت و تعدیل گزینه جنسی آشنا می‌کند و با فراهم کردن زمینه‌های رشد شخصیت اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی، او را از انحراف و لغزش جنسی مصون می‌دارد» (مرویان حسینی، ۱۳۹۵، ۳۹)

کودک:

حد فاصل میان نوزادی و نوجوانی را عرف عام دوره کودکی می‌گویند. علماء حقوق ذیل کلمه صغیر می‌گویند: «پسر و دختری که به بلوغ شرعی نرسیده است از محجورین است، به محض رسیدن به بلوغ حجر او محو می‌شود، بدون این که احتیاج به صدور حکم از سوی حاکم شرع باشد، اگر پیش از بلوغ به حدی رسید که دارای تمیز باشد او را صغیر ممیز گویند.» (لنگرودی، ۱۳۸۱، ج ۳، ۲۳۵۲)



کودک در فرهنگ‌های لغت عربی به معنای انسان کم‌سنی است که هنوز بزرگ و بالغ نشده است. واژه بچه (اگر به معنای فرزند نباشد) نیز بیش‌تر به همین معنا به کار می‌رود.

در عربی، واژه‌های «طفل» (ابن منظور، همان، ج ۱۱، ۴۰۱) و «صغیر» (زبیدی، همان، ج ۷، ۹۴) مترادف «کودک»، واژه «رضیع» به معنای «شیرخوار» (ابن منظور، همان، ج ۸، ۱۲۶) و واژه «صبی» نیز گاه به معنای «کودک» (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱، ۲۶۰) و گاه به معنای «شیرخوار» است. (فیروزآبادی، ۱۴۱۵، ج ۴، ۳۹۱)

از آنجا که انسان در ابتدای تولدش فاقد علم، ادراک و کمال و تربیت است و به تدریج با تعلیم و تربیت، رشد می‌کند و کمال می‌یابد؛ به همین منظور مراحل تعلیم و تربیت مورد توجه اسلام قرار گرفته است و تربیت از دوره تولد فرزند آغاز می‌شود.^۱

براین اساس، مهم‌ترین وظایف مربیان پس از تولد و از دوران نوزادی آغاز می‌شود و بخش زیادی از این وظایف تا حدود بیست سالگی ادامه می‌یابد. البته در برخی روایات، به سه مرحله هفت سالگی

۱. بر طبق یک تقسیم‌بندی، مراحل تعلیم و تربیت اسلامی، بر اساس مراحل رشد به شش دوره تقسیم می‌شود:

۱. دوره طفولیت (از تولد تا هجده ماهگی)
۲. دوره کودکی اول (از دو تا چهار سالگی)
۳. دوره کودکی دوم (از چهار تا هفت سالگی)
۴. دوره کودکی سوم (از هفت تا دوازده سالگی)
۵. دوره نوجوانی (از دوازده تا شانزده سالگی)
۶. دوره جوانی (از شانزده تا بیست سالگی)؛ (شکوهی، ۱۳۸۱: ۱۱۳)



تأکید شده است،^۱ اما این تقسیم بندی به این معنا نیست که تعلیم و تربیت محدود به این زمان شود بلکه تربیت به معنای عامش، یک دوره نامحدود است و تا زمان مرگ ادامه دارد. (بانکی پور فرد، قماشچی، ۱۳۸۰، ۶۲) و در منابع دینی نیز هیچ مقطع سنی برای انتهایش ذکر نشده است.^۲ همچنین در متون دینی نیز هیچ مقطع سنی برای پایان تعلیم و تربیت ذکر نشده است.

ادله عمومی جاری در ساحت تربیت جنسی کودک

برای اثبات اصل وظیفه مندی مربیان می توان به دو دسته از ادله فقهی^۳ تمسک جست. این ادله، به «ادله عامه» و «ادله خاصه» تقسیم می شود. قواعد و ادله عام فقهی به دو دسته «الزامی» و «غیرالزامی» تقسیم می شود. ادله خاصه نیز در دو محور «قرآن کریم» و «سنت حضرات معصومین (ع)» طبقه بندی و دلیل سنت نیز در دو قسمت «روایات» و «سیره حضرات معصومین (ع)» ارائه می شود.

۱. قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: «الْوَلَدُ سَيِّدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ عَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ وَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ»؛ فرزند هفت سال آقا است، هفت سال خدمتکار و هفت سال وزیر است. (طبرسی، ۱۴۱۲: ۲۲۲).

۲. (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۲۲۵؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۳۰)؛ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَلَا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ بَغَاءَ الْعِلْمِ؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: کسب علم بر هر مسلمانی واجب است، بدانید که خداوند خروج کنندگان برای کسب علم را دوست می دارد»؛ (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۱: ۱۱؛ ابی جمهور، ۱۴۰۵، ج ۴: ۷۰)؛ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ: «اطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم: کسب علم نمایید هر چند در سرزمین چین باشد چراکه کسب علم بر هر مسلمانی واجب است».

۳. قواعد فقهی احکام عامه ای هستند که در ابواب و موضوعات مختلف فقهی، جاری می شوند؛ (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱، ج ۱: ۳۳).

الف: ادله عامّ الزامی جاری در تربیت جنسی کودک

ادله عامه از مهم‌ترین ادله وظیفه‌مندی مربیان در تربیت جنسی کودک هستند. اهمیت این ادله کمتر از ادله خاصه نیست، زیرا در موضوعاتی که دلیل خاصی در مورد آنها وارد نشده است می‌توان از ادله و قواعد عامه استفاده کرد.

دو نوع ادله عام در وظیفه‌مندی مربیان تربیت جنسی کودک، جریان دارد:

۱- ادله الزامی: تسبیب، ارشاد جاهل، هدایت، امر به معروف و نهی از منکر، آیه وزر و اعانه بر اثم.

۲- ادله غیرالزامی: قاعده إحسان و دعوت به خیر.

قاعده‌ی اول: تسبیب

«تسبیب» در لغت به معنای ایجاد سبب و هر چیزی است که به وسیله آن به چیز دیگری دست یافته می‌شود. (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۷، ۲۰۴)

در اصطلاح فقهی هم به هر فعلی که به صورت غیرمباشری در انجام فعل شخص دیگری مدخلیتی داشته باشد، اطلاق می‌شود که شامل ترک فعلی نیز می‌گردد که در انجام یا ترک فعل دیگری دخیل می‌شود. (اعرافی، ۱۳۹۴، ج ۱، ۴۹) این قاعده به واجب، مستحب و مکروه تقسیم می‌شود. (همان، ۵۵) درباره‌ی تسبیب بحث‌های طولانی، صورت گرفته که مجال ذکر آن نیست. (ر.ک: اعرافی، همان ۴۷ - ۱۳۳) به جمع‌بندی احکام فقهی و چگونگی جریان آن در تربیت جنسی اکتفا می‌شود.



اقسام تسبیب بر اساس تقسیم مختار، چهار گونه است:

ترک بیان حکم (ارشاد جاهل)،^۱ اکراه،^۲ تمهید مقدمات،^۳ عدم مانع.^۴ (همان، ۱۲۳-۱۸۱) قسم اول و سوم تسبیب و جریان‌شان در تربیت جنسی بررسی می‌شود.

یکی از اقسام تسبیب، ارشاد جاهل است. این ارشاد در احکام الزامی و مورد نیاز مکلفان، واجب است. این حکم وجوب، مواردی را نیز در بر می‌گیرد که ترک بیان حکم، باعث مہجوریت معارف الهی یا ارتکاب حرام غیرمنجّز توسط مکلفان جاهل شود. در بقیه‌ی موارد، ارشاد جاهل، مستحب است. بنابراین، ترک بیان حکم در دو مورد مذکور حرام است؛ ولی در بقیه موارد اشکالی ندارد. (اعرافی، ۱۳۹۴، ج ۱، ۸۱)

در ساحت تربیت جنسی نیز اگر ترک بیان حکمی باعث ارتکاب حرام توسط مرتبی شود، این امر بر عهده‌ی مرتبی، واجب است و در صورت ترک بیان حکم، مرتبی، مرتکب حرام می‌شود، در غیر این صورت، ارشاد او وجوب نخواهد داشت. نمود بیشتر این حکم در آموزش جنسی است. (اعرافی، ۱۳۹۶، ج ۲۶، ۴۶)

۱- تسبیب یا دخالت شخص در ارتکاب وقوع حرام از دیگری، گاهی از جهت حکم است و گاه از جهت موضوع و امور خارجی؛ در قسم اول که ترک بیان حکم نامیده می‌شود، عدم بیان از ناحیه شخص عالم، موجب وقوع شخص ناآگاه در ورطه گناه می‌شود.

۲- اکراه با تهدید دیگری به رساندن ضرری به او یا منسوب‌اتش در صورت انجام‌ندادن یا ترک‌نکردن آن فعل، محقق می‌شود.

۳- به معنای فراهم کردن مقدمه کار حرامی است که فرد دیگری مرتکب آن می‌شود

۴- به معنای ایجادنکردن مانع در مقابل مرتکب فعل حرام است



سومین قسم از اقسام تسبیب، تمهید مقدمات خارجی است. تمهید مقدمه به دو نوع، تقسیم می‌شود: اعانه بر اثم و تسبیب خاص. (همان، ۴۸) تسبیب خاص، تمهید مقدمه برای کار حرامی است که فاعل آن به حکم یا موضوع آن علم ندارد؛ برای همین، حرمت برای او منجز نیست. تسبیب خاص قاعده‌ی فقهی مهمی است که کاربرد زیادی در ابواب گوناگون فقهی دارد.

در صورتی که تربیت جنسی در جهت کمال و هدایت و رشد کودک و یا انگیزه دادن برای اقدام الهی او باشد، در صورت علم متربی به حسن عمل، از مصادیق اعانه بر پرّ و نیکی است و در صورت ناآگاهی او، تربیت از مصادیق تعلیم جاهل است؛ اما در صورتی که مربی در آموزش به فتوای بدون علم و یا ایجاد انگیزه عمل نادرست اقدام نماید، در صورتی که کودک خود به حرمت این اعمال آگاه باشد، تعلیم مصادیق اعانه بر اثم است و در صورتی که کودک آگاه نباشد، إغراء به جهل و از مصادیق تسبیب خاص است. بنابراین، حرمت تعلیم محرمات و فتوای بدون علم و تعلیم انگیزه‌بخش نسبت به فعل محرمات، از جهت مصادیق قاعده‌ی تسبیب خاص ثابت می‌گردد. (موسوی، ۱۳۹۹)

بنابراین تربیت جنسی‌ای که منجر به انحراف، فساد و گناه متربی شود، تسبیب خاص و حرام است. این حکم کلی می‌تواند بر مصادیق خاصی تطبیق گردد.

قاعده دوم: ارشاد جاهل

قاعده «تعلیم جاهل» یکی از قواعد مهم تربیتی است که ناظر بر وظیفه مندی مربیان در آموزش به افراد جاهل - متریبان - است. بر اساس این قاعده، هدایت فرد جاهل در اصول و فروع دین و معارف الهی لازم است. علمای اصول، در بخش‌های مختلف اصول فقه و از جمله اشتراک احکام عالم و جاهل، به موضوع جهل پرداخته‌اند. به نظر



آنان نسبت عالم و جاهل به احکام نفس‌الامری - که در لوح محفوظ وجود دارد - یکی است و متوقف بودن وضع حکم شرعی بر علم مکلف به آن محال است؛ زیرا در این صورت تا زمانی که مکلف عالم به احکام نباشد، حکمی نیز وضع نمی‌شود؛ در حالی که آگاهی به احکام پس از وضع حاصل می‌شود. (ر.ک: آخوند خراسانی، ۱۴۲۳، ج ۳: ۱۲)

لزوم تعلیم برخی از آموزه‌های جنسی برای کودکان در نهادهای آموزشی و توسط مربیان در جهت سلامت جنسی و پیشگیری از انحرافات و اختلالات جنسی آنها، از مصادیق جاری این قاعده است. دلیل نقلی این قاعده آیات «نفر» (نحل / ۴۳، انبیاء / ۷، توبه / ۱۲۲) «کتمان» (آل عمران / ۱۸۷) «تبیین» (نحل / ۴۳؛ انبیاء / ۷) و «سؤال» (نحل / ۴۳؛ انبیاء / ۷) و روایات فراوانی (ر.ک، کلینی، ج ۱، ۱۴۰۷)^۱

براساس ادله قاعده «تعلیم جاهل»، تعلیم و ارشاد جاهل، مطلق است و جاهل قاصر و مقصر را شامل می‌شود و همین که جاهل نمی‌داند، وظیفه آگاهان نسبت به او ارشاد است. از آنجا که تربیت کودک نیاز به آگاهی و معلومات ویژه‌ای دارد و هر کسی نمی‌تواند متولی امر خطیر تربیت شود و از سویی مربیان به عنوان عالمان و افراد آگاه جامعه و به واسطه تخصصی که دارند و نسبت به احوالات و ویژگی‌های شخصیتی کودک دانا هستند بر اساس قاعده تعلیم جاهل، وظیفه دارند اقداماتی در جهت تربیت جنسی کودک انجام دهند.

قاعده سوم: قاعده هدایت

یکی از ادله عام در وظیفه‌مندی مربیان در تربیت، «قاعده هدایت» است. این قاعده، به عنوان یک قاعده فقه تربیتی، نوپدید است. (ر.ک

۱. این پژوهش در مقام بررسی و اثبات مستندات این قاعده نیست. (برای توضیح و تفصیل ر.ک: حکیم، ۱۴۱۶، ج ۱: ۷۵-۷۶؛ اعرافی، ۱۳۹۴، ج ۱: ۸۷۴؛ مولودی، ۱۳۹۷: فصل چهارم).

اعرافی، فقه ۱۳۹۶، ج ۲۶، ۵۰) بر اساس این قاعده، هدایت و تمهید مقدمات هدایت و تربیت دیگران و از جمله کودکان، به صورت اولی، چه با واسطه و چه بدون واسطه، رجحان (وجوب یا استحباب) دارد و البته در بسیاری از موارد، «هدایت» واجب است.

قاعده «هدایت» مستفاد از مجموعه آیات «هدایت» (توبه/ ۳۳؛ انبیاء/ ۷۲، ۷۳، اعراف/ ۱۸۱، ۱۵۹، صف/ ۹) «تبلیغ» (احزاب/ ۳۹، مائده/ ۹۲، آل عمران/ ۲۰، رعد/ ۴۰، نحل/ ۸۲، تغابن/ ۱۲) «تذکر» (غاشیه/ ۲۱؛ ق/ ۴۵، ذاریات/ ۵۵) «اخراج از ظلمات» (مائده/ ۱۶، بقره/ ۲۵۷، ابراهیم/ ۱، ۵، حدید/ ۹) و «آیات تبیین» (ابراهیم/ ۴) است. هدایت وجوبی در مرحله اول وظیفه انبیاء الهی و اوصیای ایشان است.

اما در مرتبه بعد، می‌توان با تنقیح مناط و الغای خصوصیت از پیامبران و حضرات معصومین علیهم السلام این احکام را توسعه داد و شامل مریبان نیز دانست علاوه بر آیات، قاعده «تعلیم ابواب هدایت» از روایات متعددی قابل اصطیاد است و ثواب‌های فراوانی برای «مَنْ عَلَّمَ باب هدی» کسی که باب هدایتی را به دیگری تعلیم دهد ذکر شده است.^۱ بنابراین، ادله نقلی قاعده هدایت،^۲ دلالت بر وجوب هدایت در موضوعات واجب و حرام دینی دارند. بر همین اساس، هدایت، راهنمایی، رشد و اصلاح کودکان، وظیفه مریبان است. همچنین بر مریبان مستحب است که کودکان را به سمت امور مطلوب شرعی

۱. درباره دامنه دلالت این روایات ذکر این نکته ضروری است که «باب هدایت» عمومیت دارد. قدر متیقن از آن هدایت در احکام است.

۲. ادله «قاعده هدایت» با ادله «قاعده تعلیم جاهل» از نوع رابطه عموم و خصوص من وجه است.



جنسی (که در روش‌ها خواهد آمد) سوق و از اموری که زمینه انحرافات جنسی آن‌ها را در آینده فراهم می‌کند منع کنند.

قاعده چهارم: امر به معروف و نهی از منکر

«امر به معروف و نهی از منکر» از مهم‌ترین واجبات دینی است. (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ۸۰۸-۸۰۹) از این دو فریضه الهی، به عنوان قاعده «امر به معروف و نهی از منکر» نیز یاد می‌گردد که از قواعد پر کاربرد تربیتی است. مستند این قاعده، دلیل عقلی،^۱ آیات (آل عمران/ ۱۱۴، ۱۱۳، ۱۱۰، ۱۰۴؛ اعراف/ ۱۵۷) و روایات فراوانی (کلینی، همان، ج ۵، ۵۵) است.^۲

بر طبق این قاعده مربی به عنوان یکی از مکلفین «امر به معروف و نهی از منکر»، در صورت مشاهده ارتکاب معصیت جنسی از سوی کودک و یا قرار گرفتن او در آستانه ارتکاب، باید متربی را امر به معروف و نهی از منکر کند. همچنین متربیان را به یادگیری موضوعات و مسایل جنسی که در راستای رشد و سلامت جنسی آنان و پیشگیری از انحراف و اختلالات جنسی اثرگذار است از طُرُق مختلف تربیتی مانند تشویق و ترغیب کنند و از امور و مسایلی که آنها را به سمت انحرافات جنسی سوق می‌دهند از طُرُق مختلف تربیتی مانند تخویف و تهدید، منع و بازدارند. (موسوی، ۱۳۹۹، ۱۰۸)

۱. برخی از فقهاء دلیل عقلی را مستقل و برخی غیر مستقل می‌دانند. الف - عقلی مستقل: طوسی، ۱۳۷۵: ۲۴۷؛ ب - عقلی غیر مستقل: حلبی، ۱۴۰۳: ۲۶۴.

۲. «وکیف کان فالأمر بالمعروف الواجب و النهی عن المنکر واجبان إجماعاً من المسلمین بقسمیه علیه، مضافاً إلی ما تقدم من الكتاب و السنه و غیره، بل عن الشيخ و الفاضل و الشهدیدین و المقداد أن العقل مما یستقل بذلک من غیر حاجه إلی ورود الشرع، نعم هو مؤکد» (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۱: ۳۵۸).



قاعده پنجم: مفاد آیه «وزر»

«لِيَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ يُضِلُّونَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ أَلَا سَاءَ مَا يَزُرُونَ» (نحل / ۲۵) آنها باید روز قیامت، (هم) بار گناهان خود را بطور کامل بر دوش کشند و هم سهمی از گناهان کسانی که بخاطر جهل، گمراهشان می‌سازند! بدانید آنها بار سنگین بدی بر دوش می‌کشند.

بر اساس مفاد این آیه شریفه و با عنایت به قواعد گذشته، می‌توان چنین تقریر نمود که در صورت اهمال نمودن اولیاء در تربیت جنسی و در نتیجه منحرف شدن متریان، إغانه بر اثم صورت گرفته است - حتی اگر قصوری باشد - و وزر و گناه جنسی متریان که ناشی از کوتاهی و اهمال اولیاء بوده، بر عهده آنان خواهد بود.

بنابراین، بر اساس مفاد این آیه شریفه، وظیفه الزامی و غیر قابل إهمال تعلیم صحیح و به هنگام آموزه‌های جنسی بر عهده مربیان است تا در آخرت دچار «وزر» انحراف و گناهان جنسی متریان نشوند. (همان، ۱۱۶)

قاعده‌ی ششم: اعانه بر اثم

خدواند می‌فرماید: «وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانَ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (مائده/۲) و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید! و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید که مجازات خدا شدید است!»

دلیل «اعانه بر اثم» بر «حرمت» اقداماتی دلالت می‌کند که یاری‌رسانی بر گناه محسوب می‌شوند. این دلیل که از دیرباز مورد توجه و استناد فقها بوده (حلبی، ۲۸۳. محمد بن نعمان، ۵۸۹) است،



دلیل عقلی^۱ (اعرافی، ج ۱، ۱۴۵). و روایی (کلینی، ج ۸، ۱۶) دارد و مجال بررسی مفصل نیست؛ (اعرافی، ۱۳۷ - ۲۴۸) از این رو به مفاد این قاعده به صورت مختصر، اشاره و در ادامه، دلالت آن بر تربیت جنسی مورد توجه واقع می‌شود.

طبق قاعده‌ی «اعانه بر اثم» اعانه بر گناه به طور مطلق، حرام است و ادله افزون بر اعانه بر ظلم به حقوق الناس، شامل اعانه بر سایر معاصی نیز می‌شود. (همان، ۲۴۴) همچنین در صدق اعانه، فوریت اثر شرط نیست و شامل اقداماتی نظیر ایجاد انگیزه، تهیه‌ی مقدمات گناه برای متربی است که توأم با علم به ارتکاب حرام باشد. جریان این قاعده در فضای تعلیم و تربیت به معنای حرمت تمام افعال و اقدامات خلاف مقتضای تربیت صحیح است که سبب فراهم شدن زمینه گناه می‌شود. (اعرافی، ج ۲۶، ۵۲)

همچنین اعانه از عناوین درجه دوم می‌باشد و حکم و آثار آن تابعی از معان علیه است؛ بنابراین عقابی که متوجه اعانه بر اثم می‌شود، تابع عقاب معان علیه است؛ یعنی هرچه آن گناه از اهمیت بیشتری برخوردار و عقاب شدیدتری داشته باشد، اعانه بر آن نیز عقاب بیشتری خواهد داشت. همچنین هرچه تعداد گناه مورد اعانه بیشتر باشد، عقاب اعانه، بیشتر می‌شود. (اعرافی، ج ۱، ۱۳۷ - ۲۴۸)

۱. عقل به طور مستقل به قبح تهیه‌ی مقدمات فعل مبغوض مولی حکم می‌کند. از طرف دیگر بین حکم عقل و شرع ملازمه وجود دارد؛ از این رو، از حکم عقل، حکم شرعی حرمت اعانه بر حرام کشف می‌شود؛

بر این اساس، مربیان نیز وظیفه دارند در تربیت جنسی، کودک را به اجتناب از هر اقدامی که منجر به ارتکاب معصیت وی می‌شود یاری دهند؛ هر چند این اقدامات پیش از بلوغ و ارتکاب و یا زمینه و ذهنیت آن، بعد از بلوغ باشد.

ب: ادله عام غیرالزامی جاری در تربیت جنسی کودک

بخشی دیگر از ادله و قواعد عامه، بر رجحان غیر الزامی [استحبابی] تربیت جنسی مشروع مربیان دلالت دارند که به ذکر دو مورد اکتفا می‌شود:

قاعده اول: قاعده احسان

احسان «الإحسان إلى الغير» قاعده‌ای فراگیر در فقه است که شامل تمامی فعالیت‌های ارتباطی بین افراد جامعه می‌شود.^۱ در نتیجه گسترده‌ترین دامنه مصادیق را نیز خواهد داشت. احسان کردن به غیر، قاعده‌ای است که به اقتضای ادله متعدد فقهی، حُسن آن ثابت است. احسان به معنای انجام دادن عمل نیکو (اعم از قول یا فعل) نسبت به دیگری است؛ خواه این عمل، رساندن مالی به دیگران باشد و یا ارائه خدمات نیکوی دیگر. احسان ممکن است از طریق دفع ضرر مالی یا معنوی از شخص دیگر نیز محقق شود. به عبارت دیگر، آنچه از واژه احسان متبادر می‌شود معنای عامی است که هم شامل دفع ضرر و هم جلب منفعت می‌شود. (موسوی، ۱۳۹۹، بخش دوم، فصل اول)

۱. این قاعده با قاعده هم‌نام آن در فقه، متفاوت است. در فقه قاعده‌ای است که آن نیز از احسان به دیگران اخذ شده است؛ اما مقصود از آن، چیز دیگری است. در آنجا گفته می‌شود: هرگاه کسی از سر دلسوزی و خیرخواهی احسان به دیگر کند، اما موجب ضرر به آن شخص شود، احسان کننده [محسن] ضامن نیست. این یک قاعده فقهی است که از آیه «ما على الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ» [توبه: ۹۱] گرفته شده و به «نفی ضمان از مُحسِن» معروف است (ر.ک: کاشف الغطاء، بی‌تا: ۷). احسان در این پژوهش با این قاعده فقهی مرتبط نیست.



مطابق این قاعده، اگر تربیت جنسی کودک، به منزله جلب منفعت و دفع ضرر قابل توجه از متربیان باشد، یا احسان به گونه‌ای است که زندگی آنان بدان وابسته است؛ این نوع تربیت، واجب و در غیر این صورت، استحباب دارد.

قاعده‌ی دوّم: دعوت به خیر

براساس برخی از آیات قرآن کریم (یوسف/ ۱۰۸؛ نحل/ ۱۲۵) عدّه‌ای خاص - به ویژه پیامبران و پیامبر اکرم ﷺ مأمور شدند تا مردم را به خیر دعوت کنند. در روایات فراوانی نیز عنوان «دعوت به خیر» ذیل آیات ۱۰۴ از سوره‌ی آل عمران و ۱۲۵ از سوره‌ی نحل بیان شده است.

قاعده‌ی «دعوت به خیر»، همانند قاعده‌ی «ارشاد جاهل» مشتمل بر دو زیر مجموعه می‌باشد. قاعده‌ی دعوت الزامی و قاعده‌ی دعوت غیر الزامی و رجحانی. شرایط دعوت به خیر همانند شرایط امر به معروف است که در کتاب‌های فقهی مفصلاً بحث شده است. (شاهروردی، ۱۴۲۳، ج ۱۷، ۱۷۸)

دعوت از حیث روشی مطلق است و شمول دارد؛ برای همین، در دعوت از روش‌های تربیتی تشویق، تنبیه، ترغیب، تحذیر، انذار و تبشیر و... می‌توان بهره گرفت. دعوت شامل همه‌ی فعالیت‌های بیانی، ترغیبی و تحذیری می‌شود. لذا علاوه بر تعلیم، اعلام و تبیین، نسبت به تذکر، تنبّه و انگیزه‌دهی و نیز جنبه‌های رفتاری اطلاق دارد.

در آیه دعوت: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ» (نحل/ ۱۲۵) با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما! و با آنها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن!



پروردگارت، از هر کسی بهتر می‌داند چه کسی از راه او گمراه شده است و او به هدایت یافتگان داناتر است» به سه روش برای دعوت اشاره شده است: روش حکمت، روش موعظه‌ی حسنه و جدال أحسن.

سه راه ذکر شده در متن آیه به عنوان راه‌های برجسته برای دعوت و هدایت افراد است و راه‌های دعوت منحصر به این طُرق نیست؛ بلکه با استفاده از هر روش عقلایی که منهی شارع نباشد، می‌توان برای هدایت و دعوت بهره برد. به عبارت دیگر، طُرق دعوت به خدا، اطلاق دارد.

اگرچه خطاب در این آیه به پیامبر اکرم ﷺ است؛ اما همان‌گونه که بیان شد می‌توان این حکم را نسبت به عالمان دین و حتی مؤمنان آگاه و نیز مربیان تعمیم داد.

براساس روایت شریفه‌ای که در این باب نقل شده است: «محمّد بن یَعْقُوبَ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ إِبرَاهِيمَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ الْبَرْقِيِّ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ مَنْ عَلَّمَ خَيْرًا فَلَهُ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ عَمِلَ بِهِ قُلْتُ فَإِنْ عَلَّمَهُ غَيْرَهُ يَجْرِي ذَلِكَ لَهُ قَالَ إِنْ عَلَّمَهُ النَّاسَ كُلَّهُمْ جَرَى لَهُ قُلْتُ فَإِنْ مَاتَ قَالَ وَ إِنْ مَاتَ (عاملی، ج ۱۶، ۱۷۳)

از امام جعفر صادق عليه السلام شنیدم که می‌فرمود: هر کس خیری را آموزش دهد برای او مانند پاداش هر آن که بدان عمل کند خواهد بود؛ عرض کردم اگر [آن دیگری] به شخص دیگری آموزش دهد، برای نفر اول پاداش خواهد بود؟ فرمود: اگر به همه‌ی مردم آموزش دهد، برای آن شخص [اول، این پاداش] جریان خواهد داشت؛ عرض کردم اگر بمیرد؟ فرمود: حتی اگر بمیرد [این ثواب جریان خواهد داشت] و موضوع آن، تشویق به خیرآموزی با ذکر فواید و نتایج آن است، تعلیم



خیر رجحان می‌یابد. عنوان خیر دامنه‌ی وسیعی دارد که یکی از برجسته‌ترین مصادیق آن، تربیت جنسی در راستای سلامت جنسی کودکان و متربیان است. (موسوی، ۱۳۹۹، فصل اول، گفتار اول)

نتیجه‌گیری

در اثبات اصل وظیفه‌مندی مربیان تربیت جنسی کودک، می‌توان به دو دسته از ادله عام و خاص تمسک جست. ادله عام به الزامی و غیر الزامی تقسیم می‌شود. در این نوشتار قاعده تعلیم جاهل، هدایت، امر به معروف و نهی از منکر و مفاد آیه وزر به عنوان قواعد عام الزامی بررسی شد. بر طبق برخی قواعد الزامی، در صورتی که ترک بیان حکمی باعث ارتکاب حرام جنسی توسط کودک شود، اقدامات تربیتی از سوی مربی، واجب است. قاعده اعانه بر طاعت و قاعده احسان قواعد غیرالزامی هستند و در صورتی که ترک اقدامات خاص به صورت یقین، به گناه جنسی متربی پس از بلوغ منجر نشود، بنا به قواعد غیرالزامی یاری‌رسانی مربی استحباب خواهد داشت.





فهرست منابع:

• قران کریم

۱. ابن ابی جمهور، محمد، عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، محقق / مصحح: مجتبی عراقی، قم، دار سید الشهداء للنشر، ۱۴۰۵ ق.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، محقق / مصحح: جمال الدین میر دامادی، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
۳. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلامی الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۴. اعرافی، علیرضا، فقه تربیتی، تربیت جنسی، ج ۲۶، تحقیق و نگارش: احمد امامیراد، چاپ اول، قم، مؤسسه اشراق و عرفان، ۱۳۹۶ ش.
۵. اعرافی، علیرضا، فقه تربیتی، تربیت جنسی، ج ۲۶، تحقیق و نگارش: احمد امامیراد، چاپ اول، قم، مؤسسه اشراق و عرفان، ۱۳۹۶ ش.
۶. اعرافی، علیرضا، فقه تربیتی، مبانی و پیش فرض ها ج ۱، تحقیق و نگارش: سیدنقی موسوی، دوم، قم، مؤسسه اشراق و عرفان، ۱۳۹۳ ش.
۷. اعرافی، علیرضا، قواعد فقهی، تسبیب، اعانه بر اثم، اعانه بر بر، تحقیق و نگارش: احمد عابدین زاده و سیدمحمد جلال زاده، قم، مؤسسه اشراق و عرفان، ۱۳۹۴ ش.
۸. اوحدی، بهنام، تمایلات و رفتارهای جنسی طبیعی و غیرطبیعی انسان، اصفهان، صادق هدایت، ۱۳۸۴ ش.
۹. آخوند خراسانی، محمدکاظم، کفایة الأصول، قم، موسسه تحقیقات و نشر معارف آل البيت عليهم-السلام، ۱۴۲۳ ق.
۱۰. بانکی پور فرد، امیرحسین، تحلیلی بر روابط دختران و پسران دانشجو، مجموعه مقالات هم اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۰ ش.
۱۱. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، محقق / مصحح: جلال الدین محدث، قم، دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ ق.
۱۲. بستان، حسین، اسلام و تفاوت های جنسیتی، تهران، دفتر امور بانوان وزارت کشور و قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸ ش.

۱۳. بهشتی، محمد و دیگران، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و میانی آن، ج ۵، فیض کاشانی، تهران، انتشارات سمت، چاپ دوم، ۱۳۷۰ ش.
۱۴. ترابی، علی‌اکبر، تاریخ ادیان، تهران، اقبال، ۱۳۴۱ ش.
۱۵. جمعی از پژوهشگران زیر نظر: هاشمی شاهروردی، سید محمود، موسوعه الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل‌البيت، قم، مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل‌بيت، ۱۴۲۳ ق.
۱۶. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، محقق/ مصحح: علی، هلالی و علی سیری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.
۱۷. حلبی، ابوالصلاح، الکافی فی الفقه، محقق/ مصحح: رضا استادی، اصفهان، کتابخانه عمومی امام امیر المؤمنین علیه السلام، ۱۴۰۳ ق.
۱۸. دورانت، ویلیام جیمز، تاریخ تمدن (عصر و لثرت)، تهران، شرکت علمی و فرهنگی، [بی‌تا].
۱۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دار العلم و الدار الشامیة، ۱۴۱۲ ق.
۲۰. زارع، زهرا، جنسیت و تضاد نقش‌های زناشویی، تهران، جامعه‌شناسان، ۱۳۹۲ ش.
۲۱. شکوهی، غلامحسین، تعلیم و تربیت و مراحل آن، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ هجدهم، ۱۳۸۱ ش.
۲۲. طباطبائی حکیم، سید محسن، مستمسک العروة الوثقی، قم، مؤسسه دار التفسیر، ۱۴۱۶ ق.
۲۳. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، قم، شریف رضی، چاپ چهارم، ۱۴۱۲ ق.
۲۴. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، محقق: احمد حسینی اشکوری، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۵ ش.
۲۵. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضه الواعظین و بصیره المتعظین، قم، رضی، ۱۳۷۵ ش.
۲۶. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، هجرت، ۱۴۱۰ ق.
۲۷. فروید، زیگموند، سه رساله درباره تئوری میل جنسی، ترجمه: هاشم رضی، دوم، تهران، آسیا، ۱۳۴۳ ش.
۲۸. فیومی، احمد بن محمد بن علی مقرئ، مصباح المنیر، قم، مؤسسه تحقیقات و معارف اهل بیت، [بی‌تا].

۲۹. فیومی، احمد بن محمد بن علی مقرئ، مصباح المنیر، قم، مؤسسه تحقیقات و معارف اهل بیت، [بی تا].
۳۰. فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحیط، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ ق.
۳۱. قاسمی، حمیدمحمد، اخلاق جنسی از دید اسلام، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳ ش.
۳۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، محقق / مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷.
۳۳. کاشف الغطاء، جعفر، القواعد الستة عشر، بی جا، مؤسسه کاشف الغطاء، بی تا.
۳۴. لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۳، تهران، نشر گنج دانش، ۱۳۸۱ ش.
۳۵. محمد بن حسن، طوسی، الاقتصاد الهادی إلى طریق الرشاد، تهران، انتشارات کتابخانه جامع چهل ستون، ۱۳۷۵ ق.
۳۶. مرویان حسینی، سید محمود، تربیت جنسی در اسلام؛ آموزه ها و راهکارها، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی: ۱۳۹۵ ش.
۳۷. مطهری، مرتضی، اخلاق جنسی در اسلام و غرب، تهران، صدرا، چاپ شانزدهم، ۱۳۸۱ ش.
۳۸. مفید، محمد بن محمد، المقنعة، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید-رحمة الله علیه، ۱۴۱۳ ق.
۳۹. مفید، محمد بن محمد، المقنعة، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید-رحمة الله علیه، ۱۴۱۳ ق.
۴۰. مکارم شیرازی، ناصر، القواعد الفقهیة، قم، مدرسه امام امیرالمؤمنین علیه-السلام، ۱۴۱۱ ق.
۴۱. موسوی، سیدعباس، تعلیم آموزه های جنسی از دیدگاه فقه اهل بیت علیهم السلام، جامعه المصطفی العالمیه، رساله دکتری، قم، تاریخ دفاع: ۱۳۹۹.
۴۲. مولودی، حسین، قواعد و اصول فقهی تعلیم، رساله دکتری، جامعه المصطفی العالمیة، ۱۳۹۷ ش.



۴۳. ناس، جان باير، تاريخ جامع اديان، ترجمه: علي اصغر حكمت، تهران،
علمی و فرهنگی، ۱۳۹۲ش.
۴۴. نجفی، محمد حسن، جواهر الكلام فی شرح شرائع الإسلام، محقق/
مصحح: عباس قوچانی - علی آخوندی، بیروت، دار إحياء التراث العربی،
۱۴۰۴ ق.
۴۵. نوری، یحیی، اسلام و عقاید و آراء بشری (جاهلیت و اسلام)، نهم،
[بی‌جا]، بنیاد علمی و اسلامی مدرسه الشهداء، ۱۳۶۰ش.

